



نرخ رشد جمعیت در حال حاضر به زیر حد جایگزینی جمعیت رسیده و این شاید اولین نگران‌کننده‌ترین مسأله ما باشد

است، اما تعیین‌کننده‌افزایش جمعیت، واقعیت‌های عینی اجتماعی است که بخشی از این واقعیت‌ها تغییر نگرش و سبک زندگی است. حکمرانی در ایران این تغییرات دهه‌های ۴۰ تا ۸۰ را محصول سیاست‌های حاکمیت می‌داند که البته منظور این نیست که حاکمیت مؤثر نبوده اما تعیین‌کننده اصلی الهمان‌های عینی و واقعیت‌های عینی بوده است.» به گفته وی، وقتی سن رشد اجتماعی و اقتصادی بالا رفت، سن ازدواج هم بالا می‌رود. با این روند افزایش، یکی از پیامدهای آن کاهش جمعیت است که در واقع دوره باروری کاهش می‌یابد و این مسأله را به تغییر نگرش، تغییر سبک زندگی، اشتغال زنان و مسائلی از این دست می‌توان اضافه کرد. کرمی قه‌ی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «در بین این بازیگران، ابعاد فرهنگی – اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جمعیت از جهات مختلفی سیاسی و گفت‌مانی شده و با این اوصاف نمی‌توان با یکسری تعیین‌کننده‌های رفاهی و اقتصادی آن را مدیریت کرد. باید مسائل دیگری کنار این موارد آورده شود که البته سهم ابعاد اقتصادی نیز در این خصوص کم نیست.»

مسائل تعیین‌کننده در کنترل نرخ جمعیت

عضو هیأت علمی دانشگاه همچنین بیان کرد: «مثلاً در سال‌های ۹۲ و ۹۳ گفته شد که مسائل اقتصادی تعیین‌کننده اصلی در کنترل جمعیت نیست و مسائل فرهنگی و اجتماعی نقش اصلی را دارند، اما در حال حاضر متأسفانه مسأله اقتصادی به تدریج در حال پر رنگ‌تر شدن است.» وی تصریح کرد: «بعد از اینکه ما قانون جوانی جمعیت را تصویب کردیم، این تحولات اقتصادی به شکلی در کشور مادر حال رقم خوردن است. این در حالی است که امتیازاتی که در قانون آمده تعیین‌کنندگی و تشویق لازم را ندارند و ما این مسأله را در کشور از نزدیک در ک می‌کنیم.» کرمی قه‌ی خاطر نشان کرد: «در راستای افزایش جمعیت مهمترین مشوق ما خانواده است. این در شرایطی است که ما وضعیت اطرافیان را نظاره می‌کنیم و مسائل اجتماعی خود را از صداوسیما و تریبون‌های رسمی و حتی از فضای مجازی نمی‌گیریم بلکه واقعیت‌های زندگی خود را در شبکه روابط پیرامونی خود فهم می‌کنیم. اینجا است که نمی‌توان مسائل اقتصادی را در نظر نگرفت.» وی در ادامه الزامات سیاست‌های رفاهی و برنامه‌ها و قوانین رفاهی را اینگونه عنوان کرد که اصل مداخله دولت و تأثیر اقتصاد پذیرفتنی است. اگر چه در تأثیر اقتصادی نمی‌توان زیاده‌روی کرد. تأثیر تغییر نگرش‌ها و سبک زندگی افراد حداقل در زندگی شهری مهم‌تر از ابعاد سیاسی است.

اهمیت تداوم سیاست‌های رفاهی در افزایش نرخ جمعیت

این استاد دانشگاه در ادامه با بیان اینکه سیاست‌های رفاهی از سیاست‌های اقتصادی مهم‌تر است، افزود: «سیاست‌های رفاهی هم کاملاً اقتصادی نیست اما در بین سیاست‌های رفاهی آن بخش‌های اقتصادی مهم‌تر است. سیاست‌های رفاهی باید مؤثر باشند که در لایحه جوانی جمعیت به این موضوع توجه شده است.» وی با اشاره به بحث سیاست‌های معطوف به باروری در کشور‌های دیگر، اظهار داشت: «به عنوان مثال از طرف دولت کشور اتریش برای هر زایمان به مادر حدود ۳۰ هزار یورو پرداخت می‌شود. این هزینه را به مادری می‌دهند که ممکن است به خاطر بچه‌دار شدن بخشی از فرصت‌های اقتصادی خود را از دست بدهد و در کنار آن، تمامی هزینه‌های دوران باروری و شیرخواری بر عهده دولت است که این اقدامات در قالب سیاست‌های رفاهی بسیار مؤثر است.» کرمی قه‌ی افزود: «در بحث‌های مربوط به بعد خانوار یکی از سیاست‌های اتریش این است که دولت این کشور باروری برای هشت فرزند را هدف قرار داده و برای اجاره خانه، معافیت از مالیات، حمایت از مادر و فرزندانی که خواهر و برادر زیادی دارند و آموزش آنها مشوق‌های

زیادی قرار داده، اما این سیاست‌های رفاهی در قانون جوانی جمعیت و قوانین دیگر ما، قوانین مؤثری نیستند.» عضو گروه مطالعات زنان دانشکده علوم اجتماعی و عضو پژوهشکده زن و خانواده گفت: «یعنی بایین مشوق‌ها تشویق به فرزندآوری نمی‌شود بلکه مشوق‌هایی محسوب می‌شوند که جمع جبری آنها هزینه‌های سال اول فرزند را پوشش نمی‌دهد. در واقع سیاست‌های رفاهی باید به صورت مداوم باشد.»

سیاست‌های جمعیتی معطوف به کیفیت باشد

وی با اشاره به اینکه سیاست‌های جمعیت باید معطوف به کیفیت باشند نه کمیت، عنوان کرد: «به فرض که پرداخت هزینه بیمارستان و پزشک و شیر خشک و غیره تأمین شود؛ آیا ذهنیت و دغدغه‌های مادر باره کیفیت بچه‌دار شدن تأمین شده؟ ما می‌خواهیم فرزندمان حدی از رفاه را داشته باشد و رفاه ما را نیز مخدوش نکند. این در حالی است که ممکن است فرزند ما بتواند در رفاه زندگی کند؛ اما ما به عنوان یک هنرمند فراغت هنری خود را از دست می‌دهیم. به این دلیل کیفیت فرزندآوری و کیفیت زندگی موضوعی است که سیاست‌های رفاهی در ایران مورد توجه قرار نداده است.» به گفته این استاد دانشگاه، الزام دیگر این است که بوروکراسی در سیاست‌های رفاهی کشور باید به حداقل برسد. متأسفانه در حال حاضر سیاست‌های تأمین اجتماعی و رفاهی در ایران از پیچیده‌ترین برنامه‌ها، قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های مربوطه هستند و این در حالی است که بوروکراسی‌ها برای تأمین شیر خشک، واکسن و... در سیاست‌های رفاهی ما مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

توجه به سوبه‌های فرهنگی و اجتماعی در سیاست‌های رفاهی

وی اظهار کرد: «سیاست‌های رفاهی نیز باید سوبه‌های فرهنگی و اجتماعی را مورد توجه قرار دهند. اینها در قانون جوانی جمعیت دیده نشده و در نظام تأمین اجتماعی ما سابقه ندارد.» وی افزود: «بخش مهمی از سیاست‌های رفاهی باید معطوف به حق باشند؛ نه نیاز و نه به اینکه ما از شما حمایت می‌کنیم، چون نیازمند هستید بلکه ما از شما حمایت می‌کنیم به این دلیل که حق دارید. این در حالی است که ما نباید مسأله رفاه در جامعه را به یک مسأله منزلتی تبدیل کردیم.» این استاد دانشگاه گفت: «این موضوعی است که قانونگذار ما از آن فاصله می‌گیرد؛ خصوصاً در برخی قوانین ما با مسأله‌ای مواجه هستیم که یکسری سیاست‌های رفاهی که باید معطوف به فرد شهروند باشد و کسی که در جامعه زندگی می‌کند حتی فردی که میلیارد‌ها تومان در آمد دارد از یکسری اقدامات رفاهی باید منتفع شود. اگر غیر این باشد، در واقع آن سیاست‌های رفاهی به سیاست‌های رفاهی طبقاتی منزلتی تبدیل می‌شود و در این صورت مشکل فرهنگی اتفاق می‌افتد.»

حمایت سیاست‌های رفاهی در قالب سیاست‌های عمومی

به گفته وی، تأمین اجتماعی با موسسات خیریه متفاوت است. اما متأسفانه در جامعه ما مرز این دو در حال به هم خوردن است و هیچکس این خطر را درک نمی‌کند و اگر قرار است قاعده‌ای داشته باشیم، این سیاست‌های رفاهی که اهداف بلندمدتی دارند باید معطوف به فرد باشند و می‌بایست از بر ساخت منزلتی نیز خودداری شود. این پژوهشگر اجتماعی گفت: «سیاست‌های رفاهی می‌بایست توسط یک بسته سیاست‌های عمومی حمایت شوند که مرخصی زایمان، مرخصی شیردهی و بحث‌های معطوف به مهد کودک را می‌توان در این مورد مثال زد.» کرمی قه‌ی اضافه کرد: «در بحث قانون جوانی سیاست‌هایی لحاظ شده که مشوق نیست اما سیاست‌های مربوط به باروری در قوانین معارض و متضاد دارند و در بعضی مواقع هم‌سو نیز نیستند. مثلاً مرخصی زایمان از شش ماه به ۹ ماه افزایش یافته که مخالفانی نیز در پی داشت و از جمله مهم‌ترین مخالفان آن هم مرکز امور زنان بود که معتقد بود این سیاست به حذف زنان از رقابت در محیط کار معطوف



می‌شود.» به گفته وی، بخش اصلی سیاست‌ها همسو با سیاست‌های رفاهی نیست. یکسری سیاست‌هایی وجود دارد که مواردی مانند مرخصی زایمان، مرخصی شیردهی، تقلیل ساعات کار فرزندان زیر شش سال و هزینه‌های مهد کودک را ترویج می‌کند. به گفته این استاد دانشگاه، سیاست حمایت از موقعیت شغلی مادر در کشور وجود ندارد و هر مادری ممکن است بعد از مرخصی زایمان موقعیت شغلی قبلی خود را نداشته باشد. این انگیزه فرزندآوری دیگر را از بین می‌برد و این بوروکراسی‌های سنگین و قدیمی هم ضد زنان و هم ضد باروری است. این پژوهشگر اجتماعی گفت: «در راستای توجه به حساسیت‌های جنسیتی در سیاست‌های رفاهی در قانون جوانی جمعیت به بسیاری از ابعاد جنسیتی و سیاست‌های رفاهی توجه شده و بحث مادری، بحث دوران شیردهی و... مورد توجه ویژه قرار گرفته است، اما این توجهات باید بر سیاست‌های رفاهی عمیق‌تر شده و در سیاست‌های دیگر موازی با سیاست‌های رفاهی مانند اشتغال مورد توجه قرار گیرد. البته در عین حال ما در حوزه حساسیت‌های جنسیتی باید به تغییرات فرهنگی و اجتماعی نیز توجه کنیم.» این فعال و پژوهشگر حوزه اجتماعی با اشاره به اینکه بعضی موارد در جامعه به دلیل اینکه پیوست جنسیتی و فرهنگی ندارد، دائماً به بن‌بست می‌خورند، تصریح کرد: «زایمان زنان به هر صورت به لحاظ زیبایی‌شناختی و به لحاظ پزشکی نوعی آسیب محسوب می‌شود و ضمن قداست و ارزشمندی مقام مادر باید این موضوع را بپذیریم که هر زایمانی در واقع آسیب به بدن مادر است و این آسیب در کنار اهمیت به نهاد خانواده، وضعیت پیچیده‌ای را ایجاد می‌کند که سیاست‌های رفاهی نسبت به آن سکوت اختیار می‌کنند.» کرمی قه‌ی گفت: «عمل زیبایی بعد از زایمان را سازمان‌های بیمه‌ای تقبل نمی‌کنند. این در حالی است که بسیاری از روابط خانواده‌ها بعد از زایمان سرد می‌شوند. هر چند نهاد خانواده به دلیل وجود فرزند، پایدار می‌شود اما روابط صمیمی آسیب می‌بیند.» به گفته وی، این بر ساخت بین توده‌های مردم است و این مسائل برای آنها مهم است. قانون جوانی جمعیت یک گام به جلو محسوب می‌شود، چون به ما امکان گفت‌وگو را می‌دهد. در این راستا بحث سیاست‌های رفاهی که مقام معظم رهبری ابلاغ کردند و همچنین قانون جوانی باعث شده ما به بهانه‌هایی دور هم جمع شویم و خلل در این قوانین را شناخته و تذکر دهیم. این استاد دانشگاه اضافه کرد: «قانون جوانی جمعیت توانسته زمینه گفت‌وگو را فراهم کند. بخشی از ناکامی‌های قانون با این مسأله مرتبط است که شرایط اقتصادی جامعه برای عمل به این قانون کفایت نمی‌کند. گاهی اوقات امتیازاتی را در قانون پیش بینی می‌کنیم که شرایط اقتصادی جامعه نمی‌تواند به آنها پاسخ دهد و این موضوع باعث می‌شود که در مرحله عمل، ناقص بماند.»

اهمیت روش ورود حاکمیت به مسأله جمعیت

کرمی قه‌ی در ادامه این نشست عنوان کرد: «مسأله سیاست‌گذاری جمعیت در دنیا موضوع مداخله حاکمیت است اما موضوع مهم، شیوه

ورود و کیفیت پرداختن به آن است. مشکلی که مادر ایران با آن مواجه هستیم، فهم و به تصویر کشیدن درست مسأله است. جامعه باید این موضوع را بپذیرد علاوه بر اینکه ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در حال تغییر است، کنشگران نیز در حال تغییر هستند.» به گفته این استاد دانشگاه، نباید اینگونه فرض شود که انگار جهان ذهنی کنشگران در اختیار آنها قرار گرفته است. در واقع تعیین‌کننده اصلی در افزایش نرخ جمعیت تعیین‌کننده‌های اقتصادی نیست. اگر چه این فاکتورها تأثیر‌گذاری بسیاری دارند اما واقعیت‌های عینی و مسائل جمعیتی نیز بسیار تأثیر گذار است. به گفته وی در بحث الزامات سیاست‌گذاری‌های رفاهی مسائل مهمی وجود دارد که شامل سیاست‌گذاری‌های رفاهی مشوق، مداوم، معطوف به کیفیت و بوروکراسی به حداقل رسیده است. در سیاست‌های رفاهی، باید توجه به سوبه‌های فرهنگی و اجتماعی، معطوف به حق باشند نه معطوف به نیاز. همچنین سیاست‌های رفاهی می‌بایست توسط سیاست‌های عمومی حمایت شوند. کرمی قه‌ی همچنین راهکارهای این حوزه را اینگونه بیان می‌کند که فهم سیاست‌های معارض و تعریف متمم‌ها بسیار می‌تواند در این زمینه کمک کننده باشد. یکی از مشکلات اساسی، خود نظام بوروکراسی در ایران است که بشدت بوروکراسی سنگین و ناچابکی است. وی همچنین اضافه کرد: «ما همچنین در کشور یک بوروکراسی مبتنی بر عدم اعتماد داریم. راهکار بلندمدت این قضیه این است که نظام بوروکراتیک ما اصلاح شود که دولت سیزدهم بسیار مصمم است تا قوانین رفاهی را عملیاتی کنند.» وی عنوان کرد: «در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ قانون تسهیلات ازدواج جوانان تصویب شد. این در حالی است که متأسفانه در حال حاضر کشور ما به لحاظ اقتصادی سازگار با سیاست‌های رفاهی نیست. یعنی ساختارهای اقتصادی کشور برای یارانه دادن اکنون پاسخگو نیست و ما نمی‌توانیم سیاست‌های رفاهی خود را در جامعه بسط و گسترش دهیم.»

سیاست‌های جمعیتی و نظام تأمین اجتماعی

معاون پژوهشی مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی نیز در نشست پیرامون سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی و بررسی دیدگاه‌های جمعیتی گفت: «بدیهی است تأمین اجتماعی در حوزه جمعیت و خانواده بسیار اثر گذار است. به همین نسبت، جمعیت و خانواده نیز می‌توانند در تأمین اجتماعی تأثیر متقابل داشته باشند. نظام تأمین اجتماعی، بیمه‌های اجتماعی و بحث‌های امدادی، بیمه‌های بازرگانی و دیگر حوزه‌های مرتبط را نیز شامل می‌شود.» نرگس اکبرپور روشن در ادامه تصریح کرد: «مجموعه عوامل اشاره شده متأثر از جمعیت است و می‌تواند بر جمعیت هم تأثیر گذار باشد و دارای ظرفیت‌های قانونی است. به طور مثال در قانون تأمین اجتماعی مزیت‌هایی که مربوط به مادران است می‌تواند در سیاست‌های مربوط به تنظیم خانواده نیز تأثیر داشته باشد.»



سیاست‌های رفاهی می‌بایست توسط یک بسته سیاست‌های عمومی حمایت شوند که مرخصی زایمان، مرخصی شیردهی و بحث‌های معطوف به مهد کودک را می‌توان در این مورد مثال زد